

---Name of Journal-----

Vol(issue), PP.

.atu.ac.ir

DOI:



Original Research / Review / ...

Received:

Accepted:

ISSN:

eISSN:

**Evaluation of the Persian translation of the Novel
"Bein Al- Qasrein" based on the theory of Garces
(based on levels; semantic-lexical and syntactic-lexical)**

Hossein Jowkar

PhD Student in Arabic Translation Studies, University of
Tehran, Tehran, Iran

hossein.jowkar@ut.ac.ir

Ali Afzali (Corresponding Author)

Associate Professor, Department of Arabic Language and
Literature, University of Tehran, Tehran, Iran

ali.afzali@ut.ac.ir

Masoud Fekri

Associate Professor, Department of Arabic Language and
Literature, University of Tehran, Tehran, Iran

mfekri@ut.ac.ir

Shahriar Niazi

Associate Professor, Department of Arabic Language and
Literature, University of Tehran, Tehran, Iran

shniazi@ut.ac.ir

Abstract

Several models have criticized translations, among which Garces' model includes more angles of translation criticism. This model is based on the principle of equality between the source and target text and examines the translation in four levels: semantic, syntactic, discourse and style, each level having its own related components. The present research aims to analyze the translation of Marashipour's novel "Bin-al-Qasrin" based on the semantic and syntactic levels of Garces model with the mixed content analysis method (quantitative-qualitative), and with the aim of evaluating the quality of the translation. In addition to the intrinsic value of the translation of "Bin-al-Qasrin", the reflection of the components of these two levels, has caused this translation to be examined by relying on the Garces model, which allows the evaluator to evaluate different components of these two. Apply the level to the translated text. So, the Garces model is explained in semantic and syntactic levels, and then the application of

the components of these levels is mentioned on the examples. The result is that the translation can be criticized from the perspective of the components of the semantic and syntactic levels of the Garces model. And due to having positive features that are more numerous than negative features, this translation is sufficient and acceptable. Also, the translator has benefited from syntactic expansion, changing the syntax or grammar, changing the perspective or different perspective and removing more than the rest of the components.

Keywords: Bein Al- Qasrein, translation by Marashipour, theory of Garces, evaluation of translation.

In Press

ارزیابی ترجمه فارسی رمان «بین القصرین» بر اساس نظریه گارسس (با تکیه بر سطوح؛ معنایی-لغوی و نحوی-واژه ساختی)*

حسین جوکار دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
hossein.jowkar@ut.ac.ir

علی افضلی (نویسنده مسئول) دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
ali.afzali@ut.ac.ir

مسعود فکری دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
mfekri@ut.ac.ir

شهریار نیازی دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
shniazi@ut.ac.ir

چکیده

الگوهای متعددی به ارزیابی کیفیت و نقد ترجمه‌ها پرداخته‌اند که در بین آن‌ها الگوی گارسس زوایای بیش‌تری از نقد ترجمه‌ها را دربرمی‌گیرد. این الگو براساس اصل برابری میان متن مبدأ و مقصد استوار است و ترجمه را در چهار سطح معنایی-لغوی، نحوی-واژه‌ساختی، گفتمانی-کارکردی و سبکی-عملی مورد بررسی قرار می‌دهد، که هر سطح دارای مؤلفه‌های مرتبط به‌خود است. پژوهش حاضر در نظر دارد با روش تحلیل محتوای آمیخته (کمی - کیفی)، و با هدف ارزیابی کیفیت ترجمه، ترجمه مرعشی‌پور از رمان «بین القصرین» را بر مبنای سطوح معنایی-لغوی و نحوی-واژه‌ساختی الگوی گارسس مورد بررسی و نقد قرار دهد. علاوه بر ارزش‌نفس ترجمه «بین القصرین» به عنوان یکی از ارزشمندترین آثار نجیب محفوظ، بازتاب مؤلفه‌های این دو سطح، با شاهد مثال-های فراوان در ترجمه این رمان، سبب شده‌است تا در این جستار، ترجمه اشاره شده، با تکیه بر الگوی گارسس مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد، که ارزیابی این امکان را دارد تا مؤلفه‌های مختلف از این دو سطح را بر متن ترجمه تطبیق دهد. برای این منظور الگوی گارسس در سطوح معنایی-لغوی و نحوی-واژه‌ساختی توضیح داده

شده و سپس کاربرد مؤلفه‌های این سطوح بر مثال‌های مستخرج از ترجمه، ذکر شده است. دستاورد این جستار بیانگر آن است که ترجمه مرعشی‌پور از منظر مؤلفه‌های سطوح معنایی-لغوی و نحوی-واژه ساختی مدل گارسس، قابل نقد و ارزیابی است. و به دلیل داشتن ویژگی‌های مثبت که پرشمارتر از ویژگی‌های منفی است این ترجمه از کفایت و مقبولیت برخوردار است. همچنین مترجم از بسط نحوی، تغییر نحو یا دستورگردانی، تغییر دیدگاه یا دگربینی و حذف بیش از بقیه مؤلفه‌ها بهره برده است.

کلیدواژه‌ها: بین‌القصرین، ترجمه مرعشی‌پور، نظریه گارسس، ارزیابی ترجمه.

مقدمه

ترجمه عبارت است از برگرداندن مفاهیم، چه مکتوب و چه شفاهی، از یک زبان که زبان مبدأ¹ نامیده می‌شود به زبان دیگر که زبان مقصد² خوانده می‌شود، به طوری که متن ترجمه‌شده همان تأثیری را که در متن مبدأ دارد در زبان مقصد نیز داشته باشد. و از آنجا که هر زبان شیوه خاص خود را در بیان واژگان و مفاهیم دارد، کار ترجمه با دشواری روبرو می‌شود، و در همین راستا گفته می‌شود: «زبان‌ها برای ارائه مفاهیم، از قالب‌های بیانی ویژه‌ای برخوردارند، و اهل هر زبان، برای پوشاندن جامه الفاظ بر قامت معانی، شیوه‌های مختلفی را به کار می‌گیرند. از این رو، اختلاف در شیوه بیان مفاهیم در دو زبان مبدأ و مقصد، بدیهی و ناگزیر است» (ناظمیان، ۱۳۸۶: ۷۸).

رویکردهای مختلف به بحث ترجمه، منجر به پیدایش مباحث متعددی در این حوزه گردیده است. یکی از مباحثی که در حوزه نظری مطرح بوده و رابطه مستقیمی با حوزه عملی دارد، بحث نقد و ارزیابی ترجمه است؛ این که در تحلیل و ارزیابی نقاط مثبت و منفی یک ترجمه، استفاده از کدام الگوهای نقد ترجمه، می‌تواند گویای کفایت و مقبولیت یا عدم آن دو در ترجمه باشد. تاکنون نظریات مختلفی از سوی نظریه‌پردازان ترجمه در زمینه کیفیت سنجی و ارزیابی ترجمه‌ها ارائه شده است. یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با نظریه و عمل ترجمه، تعریف نظریه ترجمه و تبیین نسبت آن با عمل ترجمه است. برخی از نظریات ترجمه، متن مبدأ را در اولویت قرار داده و به اصطلاح نویسندگان محورند، و برخی دیگر به متن مقصد توجه داشته و مخاطب محور محسوب

¹- Source language.

²- Target language.

می‌شوند، اما در هر صورت می‌توان آن‌ها را معیاری برای نقد و ارزیابی ترجمه‌های انجام شده، در نظر گرفت.

نظریه گارسس، یکی از مهم‌ترین نظریاتی است که براساس اصل برابری میان متن مبدأ و مقصد استوار است و ترجمه را در چهار سطح معنایی-لغوی، نحوی-واژه‌ساختی، گفتمانی-کارکردی و سبکی-عملی مورد بررسی قرار می‌دهد که هر سطح دارای مؤلفه‌های مرتبط به خود است، و به دلیل جامع بودن آن، می‌تواند الگویی کارآمد جهت ارزیابی سطح کیفی ترجمه‌ها و میزان مقبولیت و کفایت آن‌ها باشد.

از جمله آثاری که ارزیابی آن براساس نظریه گارسس مغفول مانده، ترجمه رمان «بین القصرین» اثر نویسنده بنام مصری نجیب محفوظ است. این رمان توسط محمدرضا مرعشی‌پور ترجمه شده است. علاوه بر ارزش نفس ترجمه «بین القصرین» به عنوان یکی از ارزشمندترین آثار نجیب محفوظ، بازتاب مؤلفه‌های دو سطح اول از الگوی گارسس با شاهد مثال‌های فراوان در ترجمه این رمان، سبب شده است تا در این جستار، ترجمه اشاره شده با تکیه بر الگوی گارسس مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد، که ارزیاب این امکان را دارد تا مؤلفه‌های مختلف از این دو سطح را بر متن ترجمه تطبیق دهد. و دیگر این که ترجمه این اثر به تازگی به چاپ رسیده است و به دلیل اهمیت ادبی آن بر خود لازم دیدیم که در این پژوهش، ترجمه آن را براساس الگوی گارسس به بوته نقد بگذاریم.

۱. بیان مسأله

ترجمه فعلیتی است که از طریق آن، یک متن از یک زبان یعنی زبان مبدأ به زبان دیگر یعنی زبان مقصد منتقل می‌شود و در نتیجه این فعالیت، امکان دستیابی به محتوای یک متن که در زبان و فرهنگی دیگر نگاشته شده است، برای مخاطبان در زبان و فرهنگی دیگر فراهم می‌شود (حقانی، ۱۳۹۸: ۵۳). پس از تعریف ترجمه، این مسأله مطرح می‌شود که موازنه بین متن مبدأ و متن مقصد در چه سطحی باید برقرار شود؛ که علاوه بر حفظ محتوای متن مبدأ، خواننده نیز با عناصر زبانی متن مقصد، متوجه محتوای کلام بشود؟! بازسازی کامل متن در زبان مقصد غیرممکن است و مترجم در ابتدا باید برای عناصر زبان مبدأ، معادل‌های مناسب بیابد و سپس به گونه‌ای این معادل‌ها را در کنار همدیگر قرار دهد که در زبان مقصد قابل فهم باشد و توازن و تعادل بین دو زبان در ساختارهای متفاوت رعایت شود. و اینجاست که اهمیت کار مترجم در انتخاب مفاهیم مناسب از متن مقصد برای ترجمه متن مبدأ مشخص می‌شود. مسأله پژوهش حاضر این است که میزان

مقبولیت و کفایت ترجمهٔ رمان «بین القصرین» را براساس سطوح معنایی-لغوی و نحوی-واژه ساختی الگوی گارسس، با مشخص کردن نمونه‌هایی از مؤلفه‌های مثبت و منفی ارزیابی کند. و نکتهٔ مهم این است که مترجم در کنار نکات مثبت، درگیر چالش‌ها و خطاهای ترجمه‌ای نیز شده است؛ که این چالش‌ها جزء مؤلفه‌های منفی الگوی ارزیابی ترجمهٔ گارسس قلمداد می‌شود. و این تکنیک‌های منفی ترجمهٔ این آثار را در بعضی موارد دچار نارسایی کرده است. این پژوهش پس از ارزیابی و بررسی این چالش‌ها، با ارائهٔ ترجمه‌ای پیشنهادی سعی در جبران این کاستی‌ها خواهد داشت.

۲. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌های صورت گرفته در مورد این مقاله به دو دسته تقسیم می‌شوند: دستهٔ اول پژوهش‌هایی است که به رمان «بین القصرین» پرداخته‌اند که شامل دو پژوهش می‌شود: حیدری (۱۳۹۹) در مقالهٔ «خوانش ناتورالیستی رمان «بین القصرین» اثر نجیب محفوظ» با خوانشی ناتورالیستی (طبیعت‌گرایی) به بررسی این رمان پرداخته تا مؤلفه‌های ناتورالیستی موجود در رمان را تبیین کند و تفاوت ناتورالیست محفوظ را با نسخهٔ غربی آن نشان دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که تقریباً تمامی مؤلفه‌های این مکتب همچون تأثیر محیط، وراثت، خون و مزاج بر زندگی انسان‌ها و ... بر این رمان قابل تطبیق است.

پیمان (۱۳۹۰) در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «تحلیل عناصر داستان «بین القصرین» نجیب محفوظ» با تحلیل عناصر رمان بین القصرین به این نتیجه رسیده است که آنچه در این رمان نمایان است داستان رویارویی فرهنگ و تاریخ ملت مصر با فرهنگ سیاسی و سلطه‌گر غرب، بویژه استعمار انگلیس است و این که انسان پیوند عمیقی با زندگی اجتماعی، کشمکش‌ها و سیاست‌های آن دارد.

و دستهٔ دوم پژوهش‌هایی است که به معرفی نظریهٔ گارسس و تطبیق آن بر ترجمهٔ برخی آثار پرداخته‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

افضلی و اسدالهی (۱۳۹۸) در مقالهٔ «کاربست نظریهٔ کارمن والرو گارسس در نقد ترجمهٔ ادبی» با تمرکز بر رویکرد گارسس به مطالعهٔ موردی تعریف صالح الجعفری از رباعیات خیام پرداخته و چگونگی تطبیق این الگو بر آثار ادبی منظوم را تحلیل کرده‌اند.

بشیری و هادوی خلیل‌آباد (۱۳۹۹) در مقاله «نقد ترجمهٔ رمان «فرانکشتاین فی بغداد» نوشتهٔ احمد سعداوی براساس نظریهٔ گارسس» به ارزیابی همهٔ بخش‌های ترجمهٔ رمان «فرانکشتاین فی بغداد» در هر چهار سطح نظریهٔ گارسس پرداخته‌اند، و ویژگی‌های مثبت و منفی این ترجمه را براساس نظریهٔ گارسس مورد بررسی قرار داده‌اند.

رشیدی و فرزانه (۱۳۹۲) در مقاله «ارزیابی و مقایسهٔ دو ترجمهٔ فارسی از رمان «دن کیشوت» اثر میگوئل د. سروانتس^۱ براساس الگوی گارسس» اقدام به بررسی این ترجمه‌ها بر مبنای سطوح پیشنهادی گارسس و ذکر نکات مثبت و منفی آن کرده‌اند.

نیازی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی کارآمدی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمهٔ قرآن (مطالعهٔ موردی ترجمهٔ مکارم شیرازی)» به کارآمدی و عدم کارآمدی مؤلفه‌های نظریهٔ گارسس در ترجمهٔ قرآن کریم پرداخته و به معرفی ویژگی‌های مثبت و منفی این نظریه در نقد ترجمه‌های قرآن کریم پرداخته‌اند.

فرزانه (۱۳۸۷) در پایان‌نامهٔ خود با عنوان «ارزیابی و مقایسهٔ ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین^۱ براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴)» به معرفی نظریهٔ گارسس و نمونه‌هایی از چند ترجمهٔ رمان شاهزاده و گدا پرداخته و جنبه‌های مثبت و منفی هر یک از این ترجمه‌ها را بررسی کرده است.

مختاری اردکانی (۱۳۷۶) در مقاله «چارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه» با بیان نمونه‌هایی از زبان انگلیسی به معرفی نظریهٔ گارسس به عنوان چارچوبی برای ارزیابی ترجمه‌های ادبی پرداخته است.

صیادانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «نقد و بررسی ترجمهٔ فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» براساس الگوی گارسس» ترجمهٔ کاظم آل یاسین از رمان نویسندهٔ مشهور عالم عرب نجیب محفوظ را بر مبنای چهار سطح معنایی- لغوی، نحوی- صرفی، گفتمانی- کارکردی و سبکی- عملی مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود تاکنون ترجمهٔ فارسی «بین القصرین» با بهره‌گیری از نظریات نقد ترجمه و به صورت اصولی مورد ارزیابی و سنجش قرار نگرفته است.

۳. روش پژوهش

^۱- Cervantes, M.

^۱- Twain, M.

در پژوهش حاضر، ترجمه رمان «بین القصرین» براساس سطوح معنایی-لغوی و نحوی-واژه ساختی نظریه گارسس و با تکیه بر روش تحلیل محتوای آمیخته (کمی - کیفی)، و استفاده از نرم افزار Excel مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و با بیان نکات مثبت و منفی ترجمه، میزان کفایت و مقبولیت آن سنجیده شده است. برای بررسی ویژگی های معنایی، دستور زبان، گفتمان، سبک و.. در ترجمه «بین القصرین»، نمونه های ترجمه مرعشی پور در زیر گروه های سطوح معنایی-لغوی و نحوی-واژه ساختی نظریه گارسس جای گذاری شده است تا به کمک این زیرگروه ها، افزایش، کاهش و حفظ اطلاعات متن مبدأ در متن مقصد و همچنین ویژگی های مثبت و منفی و در نهایت کیفیت ترجمه مشخص شود. نتایج در این نظریه به کمک جداول و نمودارها به نمایش گذاشته می شود.

۴. پرسش های پژوهش

پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- کدام یک از مؤلفه های سطوح معنایی-لغوی و نحوی-واژه ساختی الگوی گارسس در ترجمه مرعشی پور پررنگ تر است؟
- طبق نظریه گارسس ترجمه مرعشی پور از رمان «بین القصرین» از نظر کفایت و مقبولیت چگونه است؟

۵. فرضیه های پژوهش

به منظور پاسخگویی به پرسش های مطرح شده در این پژوهش، فرضیه های زیر مورد بررسی قرار می گیرد:

- به نظر می رسد مترجم در ترجمه رمان «بین القصرین» از بسط نحوی، تغییر نحو یا دستورگردانی، تغییر دیدگاه یا دگربینی و حذف بیش از بقیه مؤلفه ها بهره برده است.
- کاربست مؤلفه های نظریه گارسس تا حد زیادی در ارزیابی ترجمه این رمان کارآمد است. و با بررسی میزان کارآمدی این مؤلفه ها در ترجمه این رمان مشخص شد که تعداد ویژگی های مثبت بیشتر از ویژگی های منفی است و به این دلیل، این ترجمه از کفایت و مقبولیت برخوردار است.

۶. رمان «بین القصرین»

رمان «بین القصرین» نوشته نجیب محفوظ نویسنده و نمایشنامه‌نویس مصری و برنده جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۸۸م است. این رمان شرح زندگی خانواده‌ای سنتی است که مردسالاری به قوی‌ترین شکل آن بر آن خانواده حاکم است. شخصیت اصلی این رمان، احمد عبدالجواد است که در خانه همچون خدایی است که همه چیز تحت فرمان اوست؛ اما علی‌رغم رفتار استبدادی پدر خانواده، همه از روی عشق، تحسین و احترام از او اطاعت می‌کنند. این شخصیت که بازرگانی از قشر متوسط جامعه است، روزها در مغازه خود در خیابان مسگران مشغول به کار است و شب‌ها در مجالس باده‌نوشی و میگساری به سر می‌برد. او سه پسر به نام‌های یاسین، فهمی و کمال و دو دختر به نام‌های عایشه و خدیجه دارد. ازدواج یاسین، عایشه و خدیجه قسمت عمده‌ای از این رمان را شکل می‌دهد. روی دیگر این رمان، جامعه مصری است که تحت اشغال انگلیسی‌ها قرار گرفته و مبارزات استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه مردم مصر در آن به تصویر کشیده شده است. و فهمی، دیگر پسر احمد عبدالجواد در این قسمت بیشترین نقش را ایفا می‌کند و داستان با مرگ وی به پایان می‌رسد (حیدری، ۱۳۹۹: ۲۱۳).

۷. مبانی نظری پژوهش

۷-۱. تبیین الگوی گارسس

هتیم^۱ و ماندی^۲ (۱۳۹۸) معتقدند که: «یکی از گام‌های اساسی و غالباً بحث‌برانگیزترین گام‌های هر علم عبارت است از تعریف واحدهای موضوعی که با آنها سروکار دارد. این امر در مورد ترجمه هم صدق می‌کند» (هتیم و ماندی، ۱۳۹۸: ۲۲۴). بنابراین ابتدا نگاهی به چارچوب نظریه گارسس داریم سپس در هنگام تحلیل، هر مؤلفه با توضیحات بیشتری شرح داده می‌شود.

خانم کارمن والر و گارسس با تأکید بر جنبه‌های مختلف مؤثر در ترجمه مانند بافت، تاریخ، فردیت مترجم، فرهنگ و پیشینه اجتماعی او و نیز خواننده، روشی برای ارزیابی ترجمه‌های ادبی پیشنهاد می‌دهد. این الگو براساس اصل برابری میان متن مبدأ و مقصد استوار است.

گارسس الگویی جامع و ترکیبی در ارزیابی ترجمه ارائه کرده که براساس مدل پیشنهادی وینه^۳ و داربلنه^۴ و آرای دیگر صاحب‌نظران در امر ترجمه، مانند نیومارک، نایدا، مونین^۵، دلیسل^۶ و

^۱- Hatim, B.

^۲- Munday, J.

^۳- Vinay, J.

^۴- Darbelnet, J.

^۵- Mounin, G.

^۶- Delisle, J.

نوبرت⁷ بنیان نهاده شده است. در الگوی گارسس، ترجمه‌ها بر پایه ویژگی‌های مثبت و منفی بیانگر کیفیت (و زیرگروه‌های آنها) و در نهایت، دو معیار مقبولیت و کفایت بررسی و رده‌بندی می‌شوند (بیدخونی و آقاحسینی‌دهاقانی، ۱۴۰۰: ۳۳۷).

این روش مبتنی بر سطوح مختلف زبان‌شناسی است؛ گارسس می‌گوید: «در جستجوی تشابه بین متن مبدأ و مقصد چهار سطح باید در نظر گرفته شود. سطوحی که در تمام روند ترجمه با هم در ارتباطند و تداخل دارند و آن طور که بیشتر رویکردهای کنونی نشان می‌دهد، مرزهای آنها به سختی قابل تشخیص است. بیشتر نویسندگان به روندی توجه می‌کنند که مترجم باید طی کند تا متنی معادل تولید کند، ولی همه آنها متن مقصد را در نظر نمی‌گیرند و گاهی خواننده را فراموش می‌کنند. این منصفانه است که از یک منتقد توقع داشته باشیم که همان رویکردی را نسبت به متن مبدأ اتخاذ کند که مترجم انتخاب کرده تا بتواند به شکلی صحیح، شایستگی‌های آن را در متن مقصد ارزیابی کند» (Garcés, 1994: 79).

چنان‌که گفته شد الگوی پیشنهادی گارسس مشتمل بر چهار سطح تحلیلی بوده و در سال ۱۹۹۴م، معرفی شده است. چهار سطح مدل ارزیابی ترجمه گارسس همراه با مؤلفه‌های آنها در جدول (۱) آمده است؛

جدول ۱. الگوی گارسس (Garcés, 1994: 81-83).

⁷- Nubret, A.



۷-۲. تکنیک‌های افزایش^۱، مانس^۲(حفظ) و کاهش^۳

در نظریه گارسس افزایش، مانس (حفظ) و کاهش اطلاعات زبان مبدأ در زبان مقصد بررسی می‌شود که این اطلاعات به کمک زیر گروه‌های سطوح چهارگانه گارسس در دسترس قرار می‌گیرد؛ به عبارت دیگر همه این تکنیک‌ها را می‌توان از دیدگاه دیگر به سه گروه عمده که هر نوع ترجمه‌ای را دربرمی‌گیرد، تقسیم کرد:

در حیطه افزایش، تکنیک‌هایی که به بسط اطلاعات داده شده در متن مبدأ می‌پردازند، عبارتند از: تعریف، بسط نحوی یا افزایش، دستورگردانی، دگربینی، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی-فرهنگی، تغییر ساختار درونی متن مبدأ، بسط خلاقه و تفصیل یا پرگویی. تکنیک‌هایی که در حوزه مانس (حفظ) اطلاعات می‌گنجد، عبارتند از: معادل فرهنگی، اقتباس، ابهام، ترجمه قرضی، ترجمه تحت اللفظی، جبران، تغییر نوع جمله، نارسایی در معادل، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص، حفظ ساختارهای خاص متن مبدأ، عام برابر خاص یا برعکس و حفظ صناعات ادبی.

تکنیک‌هایی که کاهش را دربرمی‌گیرند، عبارتند از: قبض نحوی یا کاهش، حذف و تقلیل، حذف بن مایه متعهدانه یا حذف منظور متن اصلی، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، حذف قسمتی از متن یا پاراگراف و اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم (همان: ۸۵).

۷-۳. تکنیک‌های مثبت و منفی براساس معیار کفایت و مقبولیت^۴

تکنیک‌های مذکور در الگوی گارسس از نظر کفایت (بسنده‌گی) و مقبولیت (پذیرفتگی) نیز مورد نظر قرار گرفته‌اند. این که کدام جنبه‌ها می‌توانند تأثیر منفی و کدام می‌توانند تأثیر مثبت بر ترجمه داشته باشند. در این قسمت تنها به دقت زبان‌شناسی (کفایت) اکتفا نشده، بلکه به تأثیرگذاری (مقبولیت) متن ترجمه شده در سیستم زبان مقصد و خوانندگان آن زبان نیز توجه شده است. بدین منظور یک چارچوب جدید با دو عنوان ویژگی‌های مثبت و ویژگی‌های منفی نیاز است. یک بُعد سوم نیز افزوده شد که عبارت است از مؤلفه‌های خنثی (دوجانبه) که این دستورالعمل‌ها درباره آن‌ها کاملاً قابل تطبیق نیست (همان: ۸۷).

1- Addition.

2- Conservation.

3- Suppression.

4- Adeaquacy and Acceptability.

بنابراین در الگوی گارسس، کیفیت ترجمه از منظر دو معیار کفایت و مقبولیت نیز ارزیابی می‌شود. این دو معیار با استفاده از ویژگی‌های مثبت و منفی معرفی شده در مدل پیشنهادی وی، شرایط لازم را برای ارائه ترجمه‌ای مناسب فراهم می‌کند. این ترجمه باید به لحاظ انطباق مؤلفه‌های معنایی و عناصر دستوری دو زبان مبدأ و مقصد و میزان دقت مترجم در رساندن پیام مدنظر معقول باشد. همچنین مترجم در نظر داشته باشد که متن وی در سیستم زبانی مقصد مورد پذیرش واقع شود. در حقیقت، کفایت و مقبولیت به این معناست که در اینجا نه تنها در جست‌وجوی دقت و صحت عناصر زبانی، بلکه خواستار تأثیر سیستم زبان مبدأ بر خوانندگان زبان هدف نیز هستیم. از این رو، برای تعیین کیفیت ترجمه‌ها، جنبه‌ها یا ویژگی‌های جدیدی اعم از ویژگی‌های مثبت و ویژگی‌های منفی در نظر گرفته می‌شوند؛ این ویژگی‌های مثبت کفایت ترجمه را بالا می‌برند و در مقابل ویژگی‌های منفی از آن می‌کاهند (رشیدی و فرزانه، ۱۳۹۲: ۴۸).

بنابراین با بررسی چهار سطح نظریه گارسس، و لحاظ کردن سه گروه افزایش، مانس و کاهش، این تکنیک‌ها را می‌توان به سه دسته مثبت، منفی و خنثی تقسیم‌بندی کرد. تکنیک‌های مثبت ترجمه، عبارتند از: معادل فرهنگی، اقتباس، بسط نحوی، تعین، جبران، تغییر نحو یا دستورگردانی، تغییردیدگاه یا دگربینی، توضیح، حذف حواشی، تغییر به علت اختلافات اجتماعی-فرهنگی و حفظ صناعات ادبی.

تکنیک‌های منفی ترجمه، عبارتند از: ابهام، ترجمه قرضی (گرفته‌برداری)، ساده‌سازی، ترجمه تحت‌اللفظی، نارسایی در مفهوم معادل‌ها، تغییر لحن، تغییر ساختار درونی متن مبدأ، حذف، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای، قبض نحوی یا کاهش، حفظ ساختارهای متن مبدأ، حذف منظور متن اصلی، بسط خلاقه، پرگویی در برابر ساده‌گویی، اشتباه مترجم، حذف صناعات ادبی و تغییر صناعات ادبی.

تکنیک‌های خنثی ترجمه، عبارتند از: تغییر در نوع جمله ترجمه، حفظ اسامی خاص با معادل متن مبدأ، تعریف و عام برابر خاص یا برعکس (Garcés, 1994: 89).

با ارائه مدل گارسس، مدل جدید و جامع‌الطرفی که به آن «سیستم چندگانه»^۱ می‌گویند، برای ارزیابی ترجمه ادبی از دیدگاه علمی و ادبی معرفی شده تا ناقد ترجمه، گزینه‌های مترجم اعم از تنگناها و آزادی‌ها را بشناسد و از اظهارنظرهای خام، غیرمستدل و غیرمنطقی پرهیز کند (مختاری‌اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۸). برآیند نظریه گارسس، بررسی سه مقوله افزایش، مانس (حفظ) و

^۱- Polysystemic.

کاهش اطلاعات متن اصلی در متن ترجمه شده است و در نهایت، کفایت و مقبولیت ترجمه، تعیین می شود.

۸. کاربرد نظریه گارسس

در این بخش به تطبیق سطوح معنایی-لغوی و نحوی-واژه ساختی الگوی گارسس با نمونه‌های ترجمه مرعشی‌پور از رمان «بین القصرین» پرداخته می‌شود. و همان‌طور که در جدول (۱) اشاره شد، هر سطح زیر مجموعه‌های خاص خود را دارد؛ از این رو، پس از بیان عنوان هر سطح، مثال-هایی از ترجمه رمان را، در ارتباط با مؤلفه‌های آن سطح ذکر خواهیم کرد.

۸-۱. سطح معنایی - لغوی

۸-۱-۱. تعریف یا توضیح و ترجمه لغات برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی^۱

تعریف، بیان معنی واژه است به صورت عبارت اسمی یا شبه جمله صفتی. و توضیح، افزودن اطلاعاتی است که برحسب اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی و اختلاف در سطح دانش بین مخاطب متن اصلی و مخاطب ترجمه ضرورت پیدا می‌کند (Garcés, 1994: 81). به این معنی که وقتی مترجم در ترجمه به واژه‌ای برمی‌خورد که خاص یک فرهنگ است در انتقال آن به زبان مقصد باید معنی آن را بیان کند و توضیحی ارائه دهد تا خواننده متن ترجمه شده درک معنی دقیق با چالش مواجه نشود.

* تَعَلَّمْتُ مِنْ هَذَا الدَّرْسِ وَغَيْرِهِ مِمَّا لِحَقَّ بِهٖ أَنْهَآ تَطْبِيقُ كُلِّ شَيْءٍ (محفوظ، ۲۰۱۵: ۹).
ترجمه: با این درس و درس‌های دیگر آموخت که پیه هر چیزی را باید به تنش بمالد (مرعشی‌پور، ۱۴۰۲: ۱۱).

در متن اصلی عبارت «أَنْهَآ تَطْبِيقُ كُلِّ شَيْءٍ» آمده که در بافتار فرهنگی نویسنده رمان به معنی «که همه چیز را باید تحمل کند» است؛ که مترجم به دلیل اختلافات فرهنگی، فنی یا زبانی دست به معادل سازی بومی زده است و از عبارت «که پیه هر چیزی را باید به تنش بمالد» استفاده کرده، که این معادل‌یابی برای انتقال معنی عبارت عربی به خواننده مناسب‌تر به نظر می‌رسد. در این مثال

¹- Translation of words according to cultural, technical or linguistic differences.

جایگزین شدن معادل فرهنگی مناسب برای واژه عربی که در زبان فارسی پذیرفته شده و متداول است، میزان پذیرش متن ترجمه شده را نزد خوانندگان فارسی زبان افزایش خواهد داد.

* واتجهت صوب باب المشربیه ففتحته (محفوظ، ۲۰۱۵: ۶).

ترجمه: و خود را به در مشربیه رساند و بازش کرد (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۸).

مترجم برای توضیح و آشنایی مخاطب با کلمه «مشربیه» از پاورقی استفاده کرده و آن را این-گونه توضیح داده است؛ مشربیه: ایوانکی (بالکن) که با یک تخته سراسری سوراخدار پوشیده می شود و می توان بدون دیده شدن از درزهایش به بیرون نگریست. این در حالی است که در متن اصلی اصطلاح «مشربیه» برای خواننده آشکار نمود نمی یابد و مترجم بر پایه اختلافات موجود بین زبانها، آن را به صورت شرح و توضیح به ترجمه خود افزوده است.

۸-۱-۲. معادل فرهنگی یا کارکردی^۱

یکی از مباحث عمده در ترجمه به عنوان عامل برقراری ارتباط بین فرهنگی، تفاوت بین مقولات فرهنگی جامعه مبدأ با مقولات فرهنگی جامعه مقصد است. از آنجا که ترجمه با دو فرهنگ متفاوت و در برخی موارد ارتباط آنها متضاد هم هستند، مترجم نیز در حین ترجمه گاه با مشکلاتی مواجه می شود. در این حالت، وی به عنوان واسطه بین دو فرهنگ مختلف، باید به گونه ای عمل کند که از یک سو محتوا و پیام متن مبدأ را منتقل کند و از سوی دیگر ترجمه متن و مقولات فرهنگی موجود در آن در تضاد و تقابل با دیدگاه فرهنگی جامعه مخاطب قرار نگیرد (حقانی، ۱۳۹۸: ۱۸۴). از این رو، لازم است واژه ای که در زبان مبدأ بار فرهنگی دارد با نزدیک-ترین و شبیه ترین واژه معادل که در زبان مقصد دارای همان بار فرهنگی است و کارکردی معادل دارد، جایگزین شود.

* وجد یاسین سروراً کبیراً (محفوظ، ۲۰۱۵: ۳۷۵).

ترجمه: یاسین از شادی در پوست خود نمی گنجید (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۴۰۷).

عبارت مشخص شده یعنی «یاسین خوشحالی بزرگی را یافت»، که این معادل در فرهنگ زبان مقصد، زمانی که کسی بسیار خوشحال است، به طور رایج استفاده نمی شود و مترجم از معادل کارکردی «یاسین از شادی در پوست خود نمی گنجید» استفاده کرده تا مقصود را بهتر انتقال دهد.

¹- Cultural or Functional Equivalent.

* فإذا أحسنوا مخاطبتهم (محموظ، ۲۰۱۵: ۳۷۵).

ترجمه: پس اگر رگ خوابش را به دست بیاورند (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۴۰۷).

* و طال جمودها فی مکانها فنقد صبر کمال (محموظ، ۲۰۱۵: ۲۷۰).

ترجمه: درازمدتی خشکش زد تا این که کاسه صبر کمال سر رفت (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۲۹۲).

مترجم در ترجمه عبارت‌های: «فإذا أحسنوا مخاطبتهم» و «فنقد صبر کمال» به ترتیب از دو معادل فرهنگی: «پس اگر رگ خوابش را به دست بیاورند» و «تا این که کاسه صبر کمال سر رفت» استفاده کرده و سعی کرده از نزدیک‌ترین معادل فرهنگی برای انتقال معنا به مخاطب استفاده کند.

۸-۱-۳. اقتباس^۱ (معنی نزدیک یا همانندسازی)

اقتباس یا معنی نزدیک، به کار بردن معادل جا افتاده است. در این شیوه، پیامی از طریق موقعیت مشابه انتقال می‌یابد. و برای ترجمه اصطلاحات یا نهادهای فرهنگی مفید است (Garcés, 1994: 81). می‌توان گفت اقتباس نیز همان به کار بردن معادل فرهنگی یا کارکردی (مورد پیشین) است با این تفاوت که معادل فرهنگی یا کارکردی در کلمه و واژه است اما اقتباس در واقع به کارگیری معادل و معنای نزدیک مصطلحات است نه مفردات و واژگان (افضلی و اسدالهی، ۱۳۹۸: ۸۹). یا به صورت ساده‌تر می‌توان گفت همان معادل فرهنگی است. بدین معنی که کلمه‌ای یا اصطلاحی در یک فرهنگ خاص، یک مفهوم مشخصی دارد، اما در یک فرهنگ دیگر همان کلمه یا اصطلاح وجود ندارد و اصطلاحی به کار می‌رود که مشابه همان مفهوم است.

* لم تأسف يوماً علی ما ارتضت لنفسها من السلامة والتسلیم، وإنما لتستعید ذکریات حیاتها (محموظ، ۲۰۱۵: ۹).

ترجمه: هیچ‌گاه از این که رام شده است و سپر افکنده افسوس نخورد و هرگاه خاطرات زندگی - اش را نشخوار می‌کرد (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۱۱).

استعداد به معنی «به یاد آوردن و به خاطر آوردن» (آذرنوش، ۱۳۸۵: ۴۶۷) است که در اینجا مترجم برای ترجمه این واژه که نویسنده برای خاطرات منفی به کار برده، از واژه «نشخوار» استفاده کرده که با توجه به بافت رمان در زبان فارسی جا افتاده‌تر است.

^۱- Adaptation.

* فکانت إذا ترامی إليها حس طائف منهم قالت فی نبرات (محفوظ، ۲۰۱۵: ۸).
ترجمه: بلکه هرگاه یکی از آنان را به شکلی حس می کرد، به وی تشر می زد (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۱۰).

نبرات به معنی «فراز و نشیب صدا» (آذرنوش، ۱۳۸۵: ۶۷۰) و «بالا رفتن صدا و بلند شدن صدا» (قیم، ۱۳۸۶: ۱۰۹۶) است که مترجم برای ترجمه این اصطلاح که در مورد لحن صدا به کار رفته، واژه «تشر» را برگزیده که با توجه به زبان مقصد معادل مناسبی است.

* الصارم الجبار الرهیب التقی الورع الذی یقتل من حوله رعباً (محفوظ، ۲۰۱۵: ۲۸۸).
ترجمه: یک دنده زورگوی خوفناک پرهیزگارِ پارسایی که دوروبری هایش را از وحشت زهره ترک می کند (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۳۱۰).

در این عبارت، اصطلاح «دوروبری هایش را از وحشت زهره ترک می کند» در فرهنگ فارسی وجود دارد و همه ما مفهوم آن را درک می کنیم. بنابراین مترجم توانسته عبارت مناسبی را برای بیان این مفهوم بیابد و اصطلاحی را به کار برده که با این مفهوم تناسب دارد.

۸-۱-۴. بسط نحوی^۱ (بسط)

در این روش مترجم بنا بر ضرورت دستور زبان متن مقصد، برای فهم بهتر مخاطب واژه یا عبارتی را به ترجمه می افزاید. «این روش عبارت است از افزودن یک یا چند کلمه بر حسب ضرورت» (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۱). ذکر این نکته ضروری است که، بسط نحوی، آن گاه که به ضرورت برای برون رفت از یک چالش ترجمه ای باشد، پسندیده است (بشیری و هادوی خلیل آباد، ۱۳۹۹: ۲۹۷).

* هیئات أن یتطهر هذا البیت مادمتَ فیهِ (محفوظ، ۲۰۱۵: ۴۴۶).
ترجمه: هرگز این خانه، تا تو در آن نفس می کشی، رنگ پاکی به خود نمی بیند (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۴۸۲).

در این نمونه، مترجم عبارتهایی مانند «نفس می کشی» و «رنگ پاکی» را که در متن اصلی وجود ندارد، به دلیل کامل شدن و آشکار شدن بار معنایی جمله، به ترجمه افزوده است.

^۱- Grammatical Expansion.

* فتحت أمانة الباب وأدخلت رأسها (محفوظ، ۲۰۱۵: ۱۴۰).

ترجمه: امنیه در را باز کرد و سر از بالای آن به درون برد (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۱۵۱).
در این جمله واژه «از بالای آن» در متن مبدأ نیامده است و با ضمیر یا اسم اشاره‌ای نیز به آن اشاره نشده است؛ اما مترجم ترجیح داده برای فهم بهتر مخاطب واژه «از بالای آن» را صراحتاً بیان دارد.

* فانتقل الاهتمام بسرعة إلى نفسها المطوعة للإيحاء وقالت تجيبه: (محفوظ، ۲۰۱۵: ۱۴۱).

ترجمه: پس این موشکافی و باریک‌نگری بی‌درنگ به جان‌گوش به فرمان وی رسید و پاسخ داد: (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۱۵۱).
در اینجا مترجم عبارت «باریک‌نگری» را جهت توضیح بیشتر و شفاف‌سازی مفهوم به متن اصلی افزوده است.

* السيد لم يظن إلى هذه الحقيقة المؤسفة (محفوظ، ۲۰۱۵: ۴۴۵).

ترجمه: سید این حقیقت اندوهبار و ریشناک را دریافت (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۴۸۱).
در این عبارت مترجم واژه «المؤسفة» را با برابر نهاد «اندوهبار و ریشناک» ترجمه کرده و واژه ریشناک را جهت توضیح معنا به متن اصلی افزوده است.

* بيد أن جميع مظاهر السعادة التي أحاطت بها... (محفوظ، ۲۰۱۵: ۳۶۴).

ترجمه: اما همه نمودهای شادی و خوشبختی که دربرش گرفته بودند... (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۳۹۵).
در اینجا مترجم عبارت «شادی» را که در متن اصلی وجود ندارد به متن ترجمه افزوده است و نوع احساس را برای مخاطبان روشن کرده است.

* أنت تتحداني تحت سمعي وبصري (محفوظ، ۲۰۱۵: ۴۴۶).

ترجمه: زیر گوشم و جلوی چشمم یاغی‌گری می‌کنی (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۴۸۲).
در این نمونه مترجم واژه «جلوی» را به دلیل کامل شدن جمله و قابل قبول بودن آن در زبان فارسی افزوده است.

* لبت يفكر منزجاً في العاصفة التي تتربص به (محفوظ، ۲۰۱۵: ۴۴۵).

ترجمه: پریشان و آشفته در اندیشه توفانی مانده بود که تهدیدش می‌کرد (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۴۸۲).

در این عبارت مترجم واژه «منزعجاً» را با معادل «پریشان و آشفته» ترجمه کرده و واژه آشفته را به قصد توضیح و بسط مفهوم و معنی به متن اصلی افزوده است.

در نمونه‌های ارائه شده، واژه‌ها و عباراتی که مشخص شده‌اند بنا بر دستور زبان متن مقصد در ترجمه اضافه شده است. یعنی مترجم پس از آوردن معادل کلمه در متن مقصد و ترجمه جمله در ساختار زبان مقصد، جهت توضیح بیشتر و شفاف‌سازی مفهوم، عناصر نحوی افزوده است. از یافته‌های این پژوهش این گونه برمی‌آید که زیرگروه بسط نحوی بیشترین نمونه را در این ترجمه دارا است.

۸-۱-۵. قبض نحوی^۱

قبض نحوی که برعکس بسط نحوی است، عبارت است از به کار بردن واژه‌های اندک در برابر واژه‌های بسیار زبان مبدأ؛ در واقع در قبض نحوی، واژگان ترجمه، کمتر از واژگان زبان مبدأ هستند. و به بیانی کوتاه به معنی به کار بردن یک واژه زبان مقصد در برابر چند واژه زبان مبدأ است.

* وساد صمت کئیب أليم (محفوظ، ۲۰۱۵: ۵۴۵).

ترجمه: سکوتی دردناک فضا را پر کرد (مرعشی‌پور، ۱۴۰۲: ۵۸۴).

در این عبارت مترجم دست به قبض نحوی زده است و «کئیب» و «أليم» که دو صفت است را به صورت یک صفت «دردناک» ترجمه کرده است. یعنی از یک واژه در برابر دو واژه متن مبدأ استفاده شده است.

* جلس علی الكرسي ثم اعتمد بیدیه علی رکبته و ... (محفوظ، ۲۰۱۵: ۵۳۷).

ترجمه: بر صندلی جاخوش کرد و دست‌ها را بر زانوان نشانید و ... (مرعشی‌پور، ۱۴۰۲: ۵۷۶).

در ترکیب‌های «بیدیه» و «رکبته» ضمیر «ه» که مضاف‌الیه شمرده می‌شود در ترجمه حذف شده است.

^۱- Grammatical Reduction.

۸-۱-۶. عام برابر خاص یا برعکس^۱

ترجمه لغت خاص (ذات) به عام (معنی) است یا برعکس. این شیوه معمولاً در مورد اقلام بزرگتر از واژه به کار می‌رود اما در مورد واژه هم کاربرد دارد (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۲۹). بدین صورت که گاهی نویسنده، اسمی را به صورت عام بیان کرده، اما مترجم، آن را به صورت اسم خاص می‌نویسد. یا برخی مواقع، برعکس آن عمل می‌کند؛ یعنی اسم خاص را در ترجمه به صورت اسم عام می‌آورد.

* لیذهب کل ثمین إلی الجحیم... این رحمه الله؟ (محفوظ، ۲۰۱۵: ۵۴۴).

ترجمه: مال و منال به جهنم... رحمت الهی کجاست؟ (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۵۸۳).

«ثمین» به معنای گران بها (واژه عام) است که در ترجمه، تبدیل به مال و منال (واژه خاص) شده است. به عبارت دیگر، گران بها به عنوان یکی از قیده‌های عمومی، معنایی گسترده و عام دارد، ولی معنای واژه مال و منال خاص است.

۸-۱-۷. ابهام^۲

گاهی در ترجمه ابهام پیش می‌آید. به ویژه در زبان‌های مقصدی که فاقد ضمایر سوم شخص مونث و مذکر هستند که مترجم باید در رفع آن بکوشد. ابهام ممکن است عمدی باشد یا سهوی. اگر عمدی باشد باید آن را به زبان مقصد انتقال داد، اگر سهوی باشد باید آن را برطرف کرد (Newmark, 1988: 207). و گاهی مترجم در ترجمه عیناً از کلمات متن مبدأ استفاده می‌کند و چون هیچ‌گونه توضیحی همراه با آن واژه نمی‌آورد، باعث ابهام و سرگردانی خواننده می‌شود.

* بعضهم إلی الدراسة، وبعضهم إلی السکة الجديدة، وآخرون إلی طریق الحسین (محفوظ، ۲۰۱۵: ۵۳).

ترجمه: برخی به دراسة می‌رفتند و برخی به سکة الجديدة و برخی هم به خیابان حسین (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۶۱).

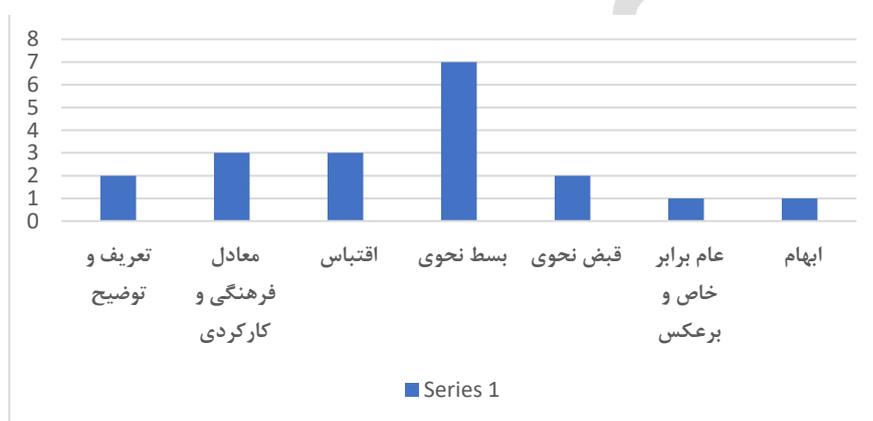
¹ - General Versus Particular.

² - Ambiguity.

در این نمونه واژه‌های «دراسه» و «سكّة الجديدة» عیناً از متن مبدأ منتقل شده‌اند و مترجم بدون آوردن توضیحی برای این واژه‌ها در متن یا در پاورقی باعث شده خواننده در درک معنی این واژه‌ها دچار ابهام شود. در این مؤلفه نمونه‌های فراوانی یافت نشد و می‌توان گفت که نمونه‌های بسیار کم از این ویژگی یکی از نقاط قوت ترجمهٔ رمان «بین القصرین» است.

نمودار (۱) کاربرد مؤلفه‌های سطح معنایی-لغوی را نمایش می‌دهد.

نمودار ۱. میزان کاربرد مؤلفه‌های سطح معنایی-لغوی در ترجمهٔ رمان «بین القصرین»



۲-۸. سطح نحوی - واژه‌ساختی

۲-۸-۱. ترجمهٔ تحت‌اللفظی^۱ (ترجمهٔ یک به یک)

همان ترجمهٔ واژه به واژه است که در آن مترجم در مقابل هر یک از واژگان زبان مبدأ و یا حتی عبارت‌های آن، واژه یا عبارتی از زبان مقصد قرار می‌دهد. گارسس معتقد است تناظر یک به یک اگر از حد واژه فراتر رود، مثل ترجمهٔ عبارت به عبارت، شبه جمله به شبه جمله، جمله به جمله و حتی استعاره به استعاره و ضرب المثل به ضرب المثل، رفته رفته کار مشکل‌تر می‌شود (Garcés, 1994: 81). به عبارت دیگر، در برابر هر واژه از زبان مبدأ، واژه‌ای از زبان مقصد و با همان ترتیب نوشته می‌شود. برای این مؤلفه در رمان «بین القصرین» نمونه‌ای یافت نشد.

^۱- Literal Translation.

۸-۲-۲. ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستورگردانی^۱

گاهی مترجم ناگزیر است اجزای کلام را تغییر دهد. اصولاً زمانی ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستورگردانی^۲ انجام می‌گیرد که:

۱- ساختار دستوری مشابه در زبان مقصد وجود نداشته باشد.

۲- ترجمه تحت‌اللفظی امکان‌پذیر باشد، اما طبیعی جلوه نکند.

۳- خلاء واژگانی^۳ موجود با ساخت نحوی جبران‌پذیر باشد.

آنچه در این شیوه نباید از نظر دور داشت، اینکه تغییر نحو نباید موجب جابجایی تأکید جمله شود (Newmark, 1988: 85-88). این تکنیک معمولاً تغییرات ساختاری در مقوله‌های زبان مبدأ و مقصد ایجاد می‌کند. مانند قید/فعل، قید/صفت، فعل/اسم، مفرد/جمع، اسم فاعل/فعل، مصدر/فعل و غیره.

* أنا رجل، الأمر الناهي، لا أقبل على سلوكي أية ملاحظة (محفوظ، ۲۰۱۵: ۹).

ترجمه: من مرد هستم منم که امر و نهی می‌کنم، هیچ‌چون و چرایی را هم در رفتارم نمی‌پذیرم (مرعشی‌پور، ۱۴۰۲: ۱۱).

توضیح: تبدیل اسم فاعل به فعل مضارع در ترجمه.

* ... خلافه كل إلى أفكاره و تخيلاته (محفوظ، ۲۰۱۵: ۵۴۵).

ترجمه: هر یک از حاضران در فکر و خیال خود غرق شد (مرعشی‌پور، ۱۴۰۲: ۵۸۴).

توضیح: تبدیل جمع به مفرد در ترجمه.

* ... وهي واقفة في المشربية (محفوظ، ۲۰۱۵: ۹).

ترجمه: ... و او در مشربیه می‌ایستاد (مرعشی‌پور، ۱۴۰۲: ۱۱).

توضیح: تبدیل اسم فاعل به فعل ماضی استمراری در ترجمه.

* تعالی نخطف أرجلنا إلى سيدنا الحسين (محفوظ، ۲۰۱۵: ۲۷۱).

ترجمه: بیا دزدکی به مسجد حسین برویم (مرعشی‌پور، ۱۴۰۲: ۲۹۳).

توضیح: تبدیل فعل مضارع به قید در ترجمه.

1 - Transposition.

2- Transposition.

3- Lexical Gap.

* أشار السيد إلى الخارج محدراً وهو يقول لها جاداً: (محفوظ، ۲۰۱۵: ۳۱۰).
ترجمه: سید با اشاره به بیرون، پرهیزش داد و با لحنی جدی به او گفت: (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۳۳۳).
توضیح: تبدیل حال به فعل ماضی در ترجمه.

* قل لفهمی إن الشيخ متولى ينصحه بالابتعاد عن موارد التهلكة (محفوظ، ۲۰۱۵: ۵۴۵).
ترجمه: به فهمی بگو پند شیخ متولی را بشنود و خودش را به هلاکت نیندازد (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۵۸۴).

توضیح: تبدیل مصدر به فعل در ترجمه.

۸-۲-۳. ترجمه از طریق تغییر دیدگاه یا دگرپینی^۱

به روشی اطلاق می شود که در آن، مفهومی در زبان مبدأ به گونه ای دیگر در زبان مقصد بیان می شود. مواردی از تغییر دیدگاه عبارتند از: بیان وسیله به جای نتیجه، بیان معلول به جای علت و برعکس، بیان از طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان با ترتیب دیگر، بیان معلوم به جای مجهول، بیان عبارت منفی به عبارت مثبت و برعکس، تبدیل جزء به کل و برعکس، حال به محل، ظرف به مظروف، خصوص به عموم و برعکس، مسبب به سبب، لازم به ملزوم و... (صیادانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲۱).

* تفضل یا شیخ متولى، حلت البركة (محفوظ، ۲۰۱۵: ۵۳۶).

ترجمه: جناب شیخ متولی بفرمایید، خوش آمدید (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۵۷۶).

در این عبارت، تغییر زاویه دید از سوم شخص به دوم شخص در ترجمه صورت گرفته است.

* فی الصباح الباكر طرق الباب وكان الطارق شيخ الحارة (محفوظ، ۲۰۱۵: ۴۴۳).

ترجمه: هنگام پگاه در زدند، شیخ محل بود (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۴۷۹).

در ترجمه این جمله، تغییر نوع جمله از مجهول به معلوم صورت گرفته است.

* أنتحصر فى شقته أم تنتقل إلى الشقة الأخرى (محفوظ، ۲۰۱۵: ۴۲۲).

ترجمه: آیا در اتاق خودش می ماند یا اتاق های دیگر خانه را نیز درمی نوردد (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۴۷۸).

^۱- Modulation.

واژه «شقه» به معنی «آپارتمان» (آذرنوش، ۱۳۸۵: ۳۳۸) است که مترجم برای ترجمه آن، از واژه جزئی تر یعنی «اتاق» استفاده کرده است.

* تحرك الجفنان والحاجبان حركة ربما دلت على الحياء والارتباك (محفوظ، ۲۰۱۵: ۳۹۲).
ترجمه: زن چشم و ابرویی جنبانید که شاید از سر شرم یا دست‌پاچگی بود (مرعشی‌پور، ۱۴۰۲: ۴۲۵).

در این نمونه «جفن» به معنی «پلک» (قیم، ۱۳۸۶: ۳۶۷) است که در ترجمه از واژه کلی تر یعنی «چشم» استفاده شده است.

۸-۲-۴. جبران^۱

براساس تعریف نیومارک، جبران زمانی صورت می‌گیرد که از دست رفتن معنا، تأثیر آوایی، استعاره یا تأثیر عملی در بخشی از جمله، در بخش دیگری از جمله یا در جمله مجاور جبران شود. به اعتقاد توری این روند معمولاً به تنهایی یافت نمی‌شود، بلکه در ارتباط با سایر تکنیک‌ها رخ می‌دهد و می‌توان آن را گنجاندن چند واحد متن مبدأ در یک واحد یا در تعداد کمتری از واحدهای متن مقصد نامید. گارسس نیز معتقد است که این شیوه را باید همراه با شیوه‌های دیگر به کار گرفت (Garcés, 1994: 81-82). به بیانی دیگر چنانچه مترجم به هر دلیلی نتواند ترجمه دقیقی از متن اصلی ارائه دهد، با استفاده از راهکارهایی دست به جبران آن می‌زند. برای این مؤلفه در رمان «بین القصرین» نمونه‌ای یافت نشد.

۸-۲-۵. توضیح و بسط معنا^۲

در این روش قسمتی از متن که باید در ترجمه تصریح شود، توضیح یا بسط معنایی می‌یابد. این بسط معنوی مثل بسط و قبض نحوی گاهی به صورت شمی و حسی انجام می‌گیرد و گاهی به صورت موردی. بسط و قبض، خاص همه زبان‌هاست به ویژه در حیطه لغات "وفور فرهنگی"^۳. وقتی جامعه‌ای توجه خود را به موضوعی معطوف دارد، به آن "وفور فرهنگی" می‌گویند. مثلاً انگلیسی‌ها لغات زیادی در مورد چوگان دارند، فرانسوی‌ها در مورد پنیر، آلمانی‌ها در مورد سوسیس، اسپانیولی‌ها راجع به گاوبازی، اسکیموها در مورد برف و غیره. در زبان عربی نیز واژه-

1- Compensation.

2- Explanation.

3- Cultural-Focus Words.

های فراوانی برای شتر وضع شده است و مترجم در ترجمه فارسی ناگزیر از بسط معناست (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۳۳). در ترجمه این نوع لغات همیشه در زبان مبدأ، قبض و در زبان مقصد، بسط معنایی وجود دارد. گاهی بسط با افزودن نام مشخص کننده نوع صورت می‌گیرد. برای این مؤلفه در رمان «بین القصرین» نمونه‌ای یافت نشد.

۸-۲-۶. تلویح، تقلیل و حذف^۱

اصطلاحاتی هستند که برای تعریف تکنیک مقابل بسط معنی به کار می‌روند. تلویح به عناصری اشاره دارد که در متن مبدأ صریح هستند و در متن مقصد به طور ضمنی بیان می‌شوند (Garcés, 1994: 82). تقلیل یا کاهش به معنای حذف اطلاعات غیرضروری و کم‌اهمیت یا مواردی است که از نظر مترجم برای خواننده ترجمه قابل فهم نیست (فرح زاد، ۱۳۹۴: ۱۵۳). حذف نیز از فنونی است که مترجم با به کارگیری آن می‌تواند در تنقیح متن ترجمه بکوشد. البته در این زمینه دست او چندان باز نیست و رعایت امانت و وفاداری به متن لازم است. «نیومارک می‌نویسد مترجم باید در قبال هر کلمه‌ای که از متن اصلی حذف می‌کند پاسخگو باشد» (نیازی و قاسمی اصل، ۱۳۹۸: ۱۳۴).

* واتجهت صوب باب المشربیه ففتحتہ ودخلت ثم وقفت فی قفصها المغلق (محفوظ، ۲۰۱۵: ۶).
ترجمه: خود را به در مشربیه رساند و بازش کرد و میان قفس بسته‌اش ایستاد (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۸).

در ترجمه دو فعل «فتحت» و «دخلت» تقلیل صورت گرفته و معنای یک فعل حذف شده است. چرا که او بعد از باز کردن درب، وارد آن مکان می‌شود. بنابراین ترجمه به صورت: «خود را به در مشربیه رساند و بازش کرد و وارد شد و میان قفس بسته‌اش ایستاد» پیشنهاد می‌شود.

* فی الصباح الباكر طرق الباب وكان الطارق شيخ الحارة (محفوظ، ۲۰۱۵: ۴۴۳).
ترجمه: هنگام پگاه در زدند، شیخ محل بود (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۴۷۹).

در ترجمه اسم فاعل «الطارق» تقلیل و حذف صورت گرفته است. از این رو پیشنهاد می‌شود ترجمه به صورت: «هنگام پگاه در زدند، کوبنده در - در زننده - شیخ محل بود» ارائه شود.

¹ - Implication, Reduction and Omission.

* جئت وحدي يا أمي (محفوظ، ۲۰۱۵: ۲۳۵).
ترجمه: تنها آمده ام مادر (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۲۵۴).

* زينب لم يستطع الصبر الذي تغلق به صدرها على حزنها وتذمرها (محفوظ، ۲۰۱۵: ۴۴۳).
ترجمه: زينب نتوانست درد و اندوهش را تاب بياورد (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۴۷۹).

در دو نمونه مشخص شده نیز، حذف مشاهده می شود که در بعضی موارد بهتر بود که این جزییات ترجمه شود.

۸-۲-۷. تغییر نوع جمله ترجمه^۱

به این معنی است که گاهی به ضرورت یا به اشتباه نوع جمله عوض می شود؛ مثلاً جمله ساده به مختلط یا مرکب یا برعکس ترجمه می شود یا گاهی وجه^۲ جمله عوض می شود (مختاری اردکانی، ۱۳۷۶: ۵۵)؛ و یا از حالت خبری به انشایی یا برعکس، یا از حالت سؤالی به خبری یا برعکس و غیره ترجمه می شود. «این کار تنها یک تکنیک نیست بلکه شیوه ای مفید برای منتقدین هنگام مقابله اثر چند مترجم است» (Garcés, 1994: 82).

* واصل غناءك يا صابر، فما جئت إلا لسماعه (محفوظ، ۲۰۱۵: ۳۱۰).
ترجمه: آوازت را بخوان صابر جان، من هم برای شنیدن آمده ام (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۳۳۳).

چنان که می بینیم، جمله منفی در متن مبدأ به جمله مثبت در ترجمه تبدیل شده است.

* الله يحفظك ويصونك (محفوظ، ۲۰۱۵: ۵۳۷).
ترجمه: خدا یار و نگهدارت باشد (مرعشی پور، ۱۴۰۲: ۵۷۶).

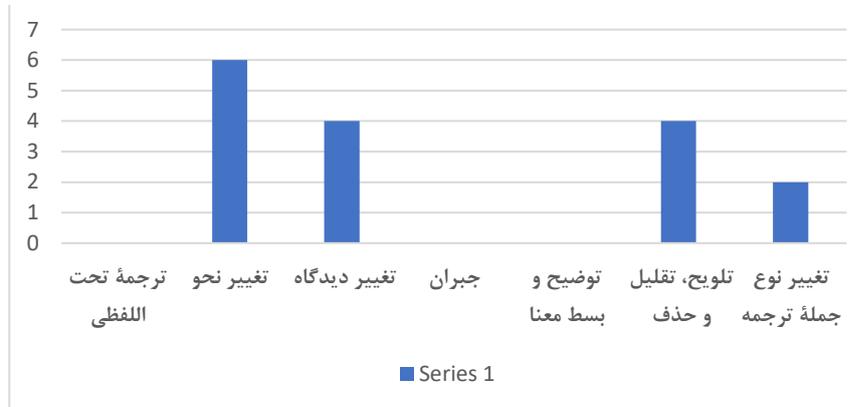
در این عبارت، جمله خبری به صورت جمله انشایی -دعائی- ترجمه شده است.

نمودار (۲) کاربرد مؤلفه های سطح نحوی-واژه ساختی را نمایش می دهد.

نمودار ۲. میزان کاربرد مؤلفه های سطح نحوی-واژه ساختی در ترجمه رمان «بین القصرین»

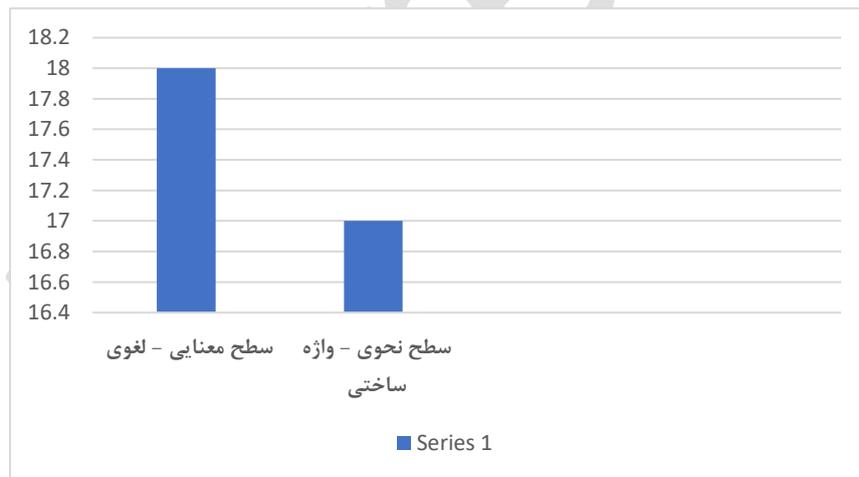
¹- Change in the type of translation sentence.

²- Mode.



نمودار (۳) کاربرد دو سطح الگوی گارسس را نمایش می‌دهد.

نمودار ۳. میزان کاربرد دو سطح الگوی گارسس در ترجمهٔ رمان «بین القصرین»



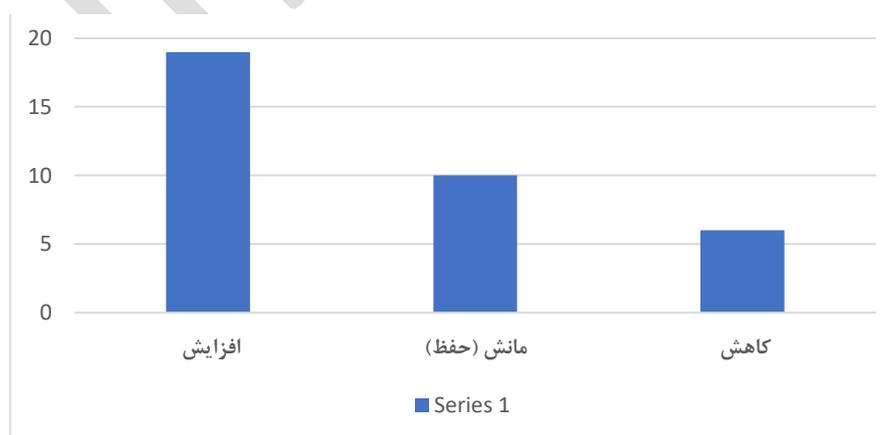
نتیجهٔ بررسی افزایش، مانس (حفظ) و کاهش اطلاعات در ترجمهٔ رمان «بین القصرین» در جدول (۲) و نمودار (۴) ارائه شده است.

جدول ۲: وضعیت افزایش، مانس و کاهش اطلاعات در ترجمهٔ رمان «بین القصرین»

تعداد	افزایش	تعداد	مانس (حفظ)	مداد	کاهش	تعداد
۱	تعریف	۱	معادل فرهنگی	۳	قبض نحوی یا کاهش	۲

۴	حذف و تقلیل	۳	اقتباس	۷	بسط نحوی
-	حذف بن مایه متعهدانه حذف منظور متن اصلی	۱	ابهام	۶	تغییر نحو یا دستورگردانی
-	تعدیل اصطلاحات محاوَره‌ای	-	ترجمه قرضی	۴	تغییر دیدگاه یا دگربینی
-	حذف قسمتی از متن یا پاراگراف	-	ترجمه تحت‌اللفظی	۱	توضیح
-	اشتباه یا ساده‌انگاری مترجم	-	جبران	-	تغییرات به علت اختلافات اجتماعی-فرهنگی
		۲	تغییر نوع جمله ترجمه	-	تغییر ساختار درونی متن مبدأ
		-	نارسایی در معادل (بیان نامناسب)	-	بسط خلاقه
		-	تغییر لحن متن	-	تفصیل یا پرگویی
		-	حفظ اسامی خاص		
		-	حفظ ساختارهای خاص متن مبدأ		
		۱	عام برابر خاص یا برعکس		
		-	حفظ صناعات ادبی		
۶	جمع کاهش	۱۰	جمع مانس	۱۹	جمع افزایش

نمودار ۴. وضعیت افزایش، مانس و کاهش اطلاعات در ترجمه رمان «بین القصرین»

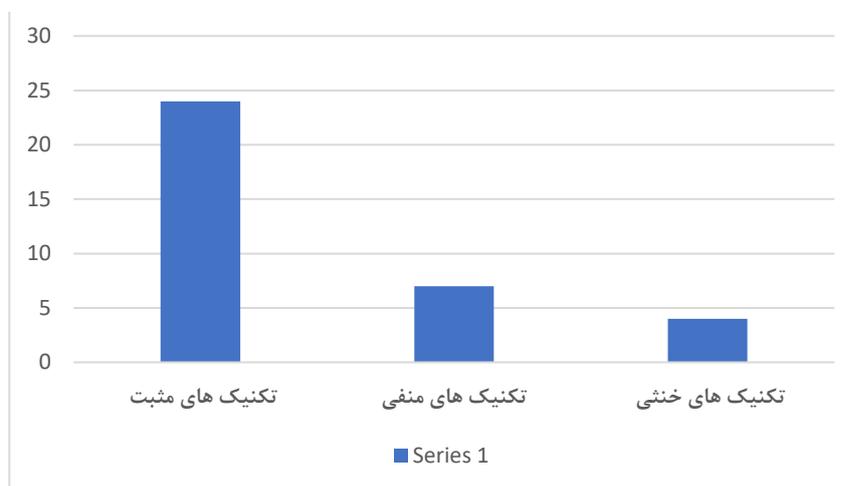


نتیجه تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی در ترجمهٔ رمان «بین القصرین» در جدول (۳) و نمودار (۵) ارائه شده است.

جدول ۳: تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی در ترجمهٔ رمان «بین القصرین»

تکنیک‌های مثبت	معداد	تکنیک‌های منفی	تعداد	تکنیک‌های خنثی (دوجانبه)	معداد
معادل فرهنگی	۳	ابهام	۱	تغییر در نوع جملهٔ ترجمه	۲
اقتباس	۳	ترجمهٔ فرضی (گرفته برداری)	-	حفظ اسامی خاص با معادل متن مبدأ	-
بسط نحوی	۷	ساده‌سازی	-	تعریف	۱
تعیین	-	ترجمهٔ تحت‌اللفظی	-	عام برابر خاص یا برعکس	۱
جبران	-	نارسایی در مفهوم معادل‌ها (بیان نامناسب)	-		
تغییر نحو یا دستورگردانی	۶	تغییر لحن متن	-		
تغییر دیدگاه یا دگربینی	۴	تغییر ساختار درونی متن مبدأ	-		
توضیح	۱	حذف و تقلیل	۴		
حذف حواشی	-	تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای	-		
تغییر به علت اختلافات اجتماعی-فرهنگی	-	قبض نحوی یا کاهش	۲		
حفظ صناعات ادبی	-	حفظ ساختارهای متن مبدأ	-		
		حذف منظور متن اصلی	-		
		بسط خلاقه	-		
		پرگویی در برابر ساده‌گویی	-		
		اشتباه مترجم	-		
		حذف صناعات ادبی	-		
		تغییر صناعات ادبی	-		
جمع تکنیک‌های مثبت	۲۴	جمع تکنیک‌های منفی	۷	جمع تکنیک‌های خنثی	۴

نمودار ۵. تکنیک‌های مثبت، منفی و خنثی در ترجمهٔ رمان «بین‌القصیرین»



نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با کاربست الگوی پیشنهادی گارسس به بررسی ترجمهٔ رمان «بین‌القصیرین» از محمدرضا مرعشی‌پور پرداخته است. این ترجمه براساس سطوح معنایی-لغوی و نحوی-واژه‌ساختی الگوی گارسس مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است؛ و با توجه به این نکته که دو سطح اول گارسس بیشتر بر انتقال مفهوم و فحوای کلام تمرکز دارد، نتایج پژوهش بدین شرح است:

با توجه به نمونه‌های یافت شده در این پژوهش و تطبیق آن‌ها با نظریهٔ گارسس، این نتیجه حاصل شد که ترجمهٔ مترجم از منظر مؤلفه‌های سطوح معنایی-لغوی و سطح نحوی-واژه‌ساختی قابل نقد و بررسی است. و نتایج بررسی نشان می‌دهد که مترجم در ترجمهٔ این رمان، بیشتر رویکردی مقصد‌گرا و ارتباطی داشته است، زیرا در سه حوزهٔ افزایش، مانس و کاهش، ترجمهٔ مترجم در حوزهٔ افزایش اطلاعات متن مبدأ در متن مقصد، بسامد بیشتری دارد. در این زمینه می‌توان به شمار زیاد بسط نحوی و تغییر نحو یا دستورگردانی اشاره کرد. ذکر این نکته نیز ضروری است که میزان استفاده از ابهام بسیار کم است که از نقاط مثبت ترجمهٔ این رمان به شمار می‌آید. از نکات قابل توجه در این ترجمه می‌توان به استفادهٔ مناسب از معادل‌های فرهنگی و کارکردی و معانی‌جافتاده در زبان فارسی اشاره کرد، که این ویژگی‌ها بستری مناسب را برای فهم منظور متن اصلی ایجاد کرده است و از امتیازات این ترجمه به شمار می‌رود. همچنین مترجم

از بسط نحوی، تغییر نحو یا دستور گردانی، تغییر دیدگاه یا دگربینی و حذف بیش از بقیه مؤلفه‌ها بهره برده است. در مدل پیشنهادی گارسس ترجمه‌ها براساس دو معیار کفایت و مقبولیت گروه-بندی شده‌اند، که کفایت و مقبولیت ترجمه با شمارش ویژگی‌های مثبت و منفی مشخص می‌شود. در واقع هرچه تعداد ویژگی‌های مثبت نسبت به ویژگی‌های منفی بیشتر باشد، ترجمه از کفایت و مقبولیت برخوردار است. ترجمه مرعشی‌پور از رمان «بین القصرین» به دلیل داشتن ویژگی‌های مثبت که پرشمارتر از ویژگی‌های منفی است از کفایت و مقبولیت برخوردار است. یعنی مترجم در زمینه تفهیم پیام متن مبدأ و مقبولیت ترجمه در سیستم زبانی مقصد موفق عمل کرده است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۸۵). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. چ ۷. تهران: نشر نی.
- افضلی، علی و اسدالهی، لیلا. (۱۳۹۸). کاربری نظریه کارمن والرو گارسس در نقد ترجمه ادبی (تعریف صالح الجعفری از رباعیات خیام). مجله کلیه اللغات جامعه بغداد، (۴۰) ۲، صص ۲۵۹-۲۳۷.
- بشیری، علی و هادوی خلیل‌آباد، زهرا. (۱۳۹۹). نقد ترجمه رمان «فرانکشتاین فی بغداد» نوشته احمد سعداوی براساس نظریه گارسس. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۲۳) ۱۰، صص ۳۰۴-۲۷۱.
- بیدخونی، محمد و آقاحسینی دهاقانی، حسین. (۱۴۰۰). نقد واژگانی ترجمه شیخ عبدالحق محدث دهلوی از فتوح الغیب (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس). پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۲۴) ۱۱، صص ۳۵۴-۳۳۰.
- پیمان، فاطمه. (۱۳۹۰). تحلیل عناصر داستان «بین القصرین» نجیب محفوظ. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کاشان.
- حقانی، نادر. (۱۳۹۸). نظرها و نظریه‌های ترجمه. چ ۲. تهران: امیر کبیر.
- حیدری، محمود. (۱۳۹۹). خوانش ناتورالیستی رمان «بین القصرین» اثر نجیب محفوظ. نقد ادب معاصر عربی، (۲۰) ۱۰، صص ۲۰۷-۲۳۵.
- رشیدی، ناصر و فرزانه، شهین. (۱۳۹۲). ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان «دن کیشوت» اثر میگوئل د. سروانتس براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴). زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی آزاد اسلامی واحد سنج، (۱۵) ۵، صص ۵۶-۴۲.

صیادانی، علی؛ اصغرپور، سیامک و خیراللهی، لیلا. (۱۳۹۶). نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان «قلب اللیل» با عنوان «دل شب» براساس الگوی گارسس. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، (۱۶) ۷، صص ۱۱۸-۸۷.

فرح زاد، فرزانه. (۱۳۹۴). فرهنگ جامع مطالعات ترجمه. تهران: نشر علمی.
فرزانه، شهین. (۱۳۸۷). ارزیابی و مقایسه ترجمه‌های فارسی رمان انگلیسی شاهزاده و گدا، اثر مارک تواین بی براساس الگوی گارسس (۱۹۹۴). پایان نامه رشته زبان‌شناسی. دانشگاه شیراز.
قیم، عبدالنبی. (۱۳۸۶). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. ج ۶. تهران: فرهنگ معاصر.
محفوظ، نجیب. (۲۰۱۵). بین‌القصرین. ط ۱۰. القاهرة: دار الشروق.
مختاری اردکانی، محمدعلی. (۱۳۷۶). چارچوبی نظری برای ارزیابی ترجمه. مجله مترجم، (۶) ۳، صص ۵۸-۵۰.

مرعشی‌پور، محمدرضا. (۱۴۰۲). بین‌القصرین. ج ۲. تهران: نیلوفر.
ناظمیان، رضا. (۱۳۸۶). روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی. ج ۳. تهران: سمت.
نیازی، شهریار و قاسمی‌اصل، زینب. (۱۳۹۸). الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی). ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.

نیازی، شهریار؛ اصغری، جواد؛ فؤادیان، محمد حسن و هاشمی، انسیه سادات. (۱۳۹۹). بررسی کارآمدی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن (مطالعه موردی ترجمه مکارم شیرازی). مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، (۱۳) ۷، صص ۳۵۶-۳۱۵.
هتیم، بزیل و ماندی، جرمی. (۱۳۹۸). مرجعی پیشرفته برای ترجمه. ترجمه مریم جابر. ج ۴. تهران: سمت.

Translated References to English

- Afzali, A. and Asadollahi, L. (2019). The Exploitation of Carmen Valero Garces' Theory in the Criticism of Literary Texts: Saleh al-Jafari's Arabic Translation Narrative citations: Saleh al-Jafari's Arabic Translation of "Rubbayat al- Khayyam" as an Example. *Journal of the Faculty of Languages*. University of Baghdad. 2(40). 237-259. [In Persian].
- Azarnoosh, A. (2006). *Contemporary Persian-Arabic dictionary*. 7th Edition. Tehran: Ney. [In Persian].
- Bashiri, A. and Hadavi Khalilabad, Z. (2020). Criticism of the translation of the novel "Frankenstein in Baghdad" written by Ahmed Saadawi based on Garces theory. *Translation Studies in Arabic Language and Literature*. 10(23). 271-304. [In Persian].
- Bidkhouni, M. and Aghahosseini Dehaghani, H. (2021). Lexical criticism of the translation of Sheikh Abdulhagh Mohadeth Dehlavi from Fatuh al-Ghaib (based on the semantic-linguistic level of Garces). *Translation Studies in Arabic Language and Literature*. 11(24). 330-354. [In Persian].

- Farahzad, F. (2015). *Comprehensive Dictionary of Translation Studies*. Tehran: Elmi. [In Persian].
- Farzaneh, Sh. (2008). *Evaluation and comparison of Persian translations of the English novel Prince and Beggar by Mark Twain based on Garcés model (1994)*. Thesis in Linguistics. Shiraz University. [In Persian].
- Garcés, C. V. (1994). A Methodological Proposal for the Assessment of Translated Literary Works: A Case Study. *The Scarlet Letter by N. Hawthorne into Spanish Babel*. 2(40). 77-102. [In English].
- GHayem, A. (2007). *Contemporary Persian-Arabic dictionary*. 6th Edition. Tehran: Farhange Moaser. [In Persian].
- Haghani, N. (2019). *Translation opinions and theories*. 2th Edition. Tehran: Amirkabir. [In Persian].
- Hatim, B. and Munday, J. (2019). *An Advanced Resource Book translation*. Translated by Maryam Jaber. 4th Edition. Tehran: Samt. [In Persian].
- Heydari, Mahmoud. (2020). Naturalistic reading of the novel "Bein Al-Qasrein" by Najib Mahfouz. *Criticism of contemporary Arabic literature*. 10(20). 207-235. [In Persian].
- Mahfouz, N. (2015). *Bein Al- Qasrein*. 10th Edition. Cairo: Dar al-Sharrouq. [In Arabic].
- Marashipour, Mohammadreza. (2023). *Bein Al- Qasrein*. 2th Edition. Tehran: Niloufar. [In Persian].
- Mokhtari Ardakani, M. A. (1997). Theoretical Framework Translation Evaluation. *Translator Magazine*. 3(6). 50-58. [In Persian].
- Nazemian, R. (2007). *Methods in Translation from Arabic to Persian*. 3th Edition. Tehran: Samt. [In Persian].
- Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. New York: Prentice- Hall. [In English].
- Niazi, Sh. and Ghasemi Asl,Z. (2019). *The Patterns Of Translation Evaluation (based on Arabic language)*. 2th Edition. Tehran: University of Tehran. [In Persian].
- Niazi, Sh. Asghari J. Fouadian M. H. and Hashemi E. S. (2020). Study of the Effectiveness of the Garces Model in Evaluating the Translation of the Qur'an (A case study translated by Makarem Shirazi). *Translation Studies Of Quran and Hadith*. 2(13). 315-356. [In Persian].
- Peyman, Fatima. (2011). *Analysis of elements of Najib Mahfouz's "Bein Al-Qasrein" story*. Master's thesis. Kashan University. [In Persian].
- Rashidi, N. and Farzaneh, Sh. (2013). The Evaluation and Comparison of Two Translations of "Don Quixote" by Miguel de Cervantes based on Garces Model (1994) . *Persian Language and Literature*. 5(15). 42-56. [In Persian].
- Sayadani, A. and Asgharpour A. and Khairollahi, L. (2017). Critique and review of the Persian translation of the novel "Heart of the Night" entitled "midnight "based on the Garces model. *Translation Studies in Arabic Language and Literature*. 7(16). 87-118. [In Persian].